

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 4, Summer 2022, 161-181
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.31411.1884

**Spins of Justice: A Critique of Liberal Justice from the
Perspective of Libertarian Justice**
A Critical Review on the Book
Statelessness, Government and Utopia

Shahab Dalili*

Abstract

Throughout the history of philosophy, there have been questions that the most important of which can be formulated and identified around the concept of justice and freedom. In the twentieth century, the relationship between justice and freedom became more and more important for human societies, and the most important scientific works addressed it. The theory of justice proposed by John Rawls in this regard became the focus of scientific discussions and aroused the concern of politicians. Robert Nozick defended justice as entitlement in Rawls' critique of justice as fairness. They first introduced the welfare state and second the minimal government as eligible for justice in societies. Due to this, other dualities such as individual rights/ collective good, equal status /equal opportunity, need/ merit, etc. were proposed. In this article, after introducing the sections of the book *Statelessness, Government and Utopia*, an attempt is made to analyze Nozick's criticisms of John Rawls, followed by a critical re-reading of some objections to the idea of entitlement justice and Nozick's minimal government.

Keywords: Robert Nozick, John Rawls, Welfare State, Justice, Minimum Government.

* PhD, Department of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran, shahabdalili@yahoo.com

Date received: 20-01-2022, Date of acceptance: 28-05-2022



چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی

بررسی و ارزیابی کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر

شهاب دلیلی*

چکیده

در سراسر تاریخ فلسفه پرسش‌هایی مطرح بوده است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان حول مفهوم عدالت و آزادی صورت‌بندی و شناسایی کرد. در قرن بیستم، نسبت بین عدالت و آزادی بیش از پیش برای جوامع بشری اولویت پیدا کرد و مهم‌ترین آثار علمی به آن پرداختند. نظریه عدالتی که از سوی جان رالز در این خصوص مطرح شد، محوریت مباحث علمی را مختص به‌خود ساخت و دغدغه سیاست‌مداران را برانگیخت. رابرت نوزیک در نقد عدالت به‌مثابه انصاف، که رالز مطرح کرد، از عدالت به‌مثابه استحقاق دفاع کرد. رالز دولت رفاهی و نوزیک دولت کمینه را واجد شرایط تحقق عدالت در جوامع معرفی کردند. به این سبب، دوگانه‌های دیگری چون حق فرد/خیر جمع، وضع برابر/فرصت برابر، نیاز/شایستگی، و... در اندیشه این دو مطرح شد. نوزیک، در کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر، به تشریح علل تقدم یکی از این دوگانه‌ها بر دیگری پرداخت. در این نوشتار، پس از معرفی بخش‌های کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر، تلاش می‌شود تا از یک‌سو، انتقادات نوزیک به جان رالز موردواکوی قرار گرفته و در پی آن، با یک بازخوانی انتقادی، برخی ایرادات وارد بر ایده عدالت استحقاقی و دولت کمینه نوزیک مطرح شود.

کلیدواژه‌ها: رابرت نوزیک، جان رالز، دولت رفاهی، عدالت استحقاقی، دولت کمینه، آنارشی.

* دکترای علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، shahabdalili@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۷



۱. مقدمه: در میانه آزادی و عدالت

در دوره‌های متمادی، تاریخ دوران عصر مدرن همواره این پرسش در ذهن عوام و خواص شکل می‌گیرد که وظیفه دولت (با تسامح حاکمیت) چیست؟ یا کمی عمیق‌تر پرسیده می‌شود که کدام رفتار دولت‌ها عادلانه است و کدام یک نیست؟ عدالت چیست؟ بعدتر یک ذهن پرسش‌گر می‌پرسد که آیا اساساً دولت‌ها می‌توانند عدالت را اجرا کنند و با شهروندان رفتاری عادلانه داشته باشند؟ با تکیه بر وقایع تاریخ صدساله اخیر می‌توان بیان داشت که این پرسش برای ذهن ایرانیان در دوران معاصر نیز بارها و بارها مطرح شده است و آن‌ها پاسخ‌هایی متفاوت را دریافت کرده‌اند،^۱ اما با تکیه بر همان مستندات تاریخی، می‌توان مطمئن شد که هم‌چنان این پرسش پابرجاست و دغدغه آن از ذهن پرسش‌گر ایرانیان رفع نشده است. آیا اساساً دولت می‌تواند رفتاری عادلانه با شهروندان داشته باشد؟ یا گامی به عقب برداریم، اساساً رفتار عادلانه با شهروندان کدام است که به واسطه آن شناخت بتوان به ساختار سیاسی خُرده گرفت که کی و کجا رفتاری عادلانه با شهروندان داشته و کی و کجا رفتاری عادلانه با شهروندان نداشته است؟ فیلسوفان سیاسی پاسخ‌های متفاوت و متنوع به این پرسش‌گری‌ها داده‌اند.

این مسئله، از منظر فلسفه سیاسی، واجد دو محور عدالت و آزادی است و در مواقع بسیاری برسر تقدم و تأخر این دو است که نظام‌های فکری شکل می‌گیرند. محور دیگر محور عدالت/ آزادی است که شامل دو گانه فردی/ جمعی است. برسر تقدم و تأخر این دو می‌توان نیز توافق جامعی میان فیلسوفان سیاسی شکل نگرفته است. این نمودار با چهار محوطه‌ای که از تقاطع محور عدالت/ آزادی با فردی/ جمعی ایجاد می‌کند پیچیدگی مسئله را نمایان می‌سازد.

هر اجتماع انسانی مواهب و منابعی شامل «قدرت»، «منزلت و موقعیت اجتماعی»، و «ثروت» دارد. پرسش اساسی در مبحث عدالت اجتماعی آن است که معیارها و اصول حاکم بر سامان ساختار اجتماعی چه باید باشد تا جامعه عادلانه‌ای تشکیل شود و ساختار اساسی آن جامعه مبتنی بر اصول عدالت شکل گیرد و هم‌چنین خللی نیز بر آزادی شهروندان وارد نشود؟ البته، همه می‌پذیرند که اجرای عدالت لازم و ضروری است، اما مسئله برسر توافق در مورد مصادیق اجرای عدالت ظاهر می‌شود.

پس از انتشار کتاب *نظریه‌ای درباره عدالت* بود که دو گانه آزادی/ عدالت به بحث غالب جوامع علمی و سیاسی دنیا تبدیل شد و هرکدام از اندیشمندان و فلاسفه سیاسی براساس

رویکردی به این موضوع پرداخته‌اند. به این ترتیب، می‌توان بیان داشت که فلسفه سیاسی معاصر صرفاً بر حول دوگانه آزادی/عدالت تمرکز یافته است (Barry 1989: 3)؛ یعنی مفاهیمی که هدف از حکومت و سیاست‌های عمومی را تعیین می‌کنند و تفاوت آن‌ها تنها برسر آن است که تقدم و تأخر یکی بر دیگری چگونه صورت‌بندی و عملیاتی خواهد شد. برخلاف قرن نوزدهم، که پرچم‌دار آرا و افکار حوزه عدالت به دیدگاه‌های چپ و سوسیالیستی محدود می‌شود، لیبرال‌های قرن بیستم پرچم‌دار عدالت‌پژوهی شدند و نظریه‌هایی چون آزادی‌مداری از هایک، قراردادگرایی از جان رالز، رفاه‌گرایی از ریچارد پازنر، زمینه‌محوری از مایکل والزر، و قابلیت‌مداری از آمارتیا سن مطرح شد. البته، که به همان میزانی که عدالت‌پژوهی محوریت یافت، آرای جان رالز نیز محوریت یافت و متعاقب آن نیز هرگونه نقدی به نقد آرای رالز مربوط می‌شود. در حالت کلان جدل علمی موافقان و مخالفان در میانه دوگانه «دولت محدود» و «دولت رفاهی» قابلیت صورت‌بندی داشت. یکی از مهم‌ترین منتقدانی که آرای رالز به خود دید رابرت نوزیک (Robert Nozick 1938-2002) و مهم‌ترین اثر وی کتاب *بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر*^۲ است.

در صورتی که بخواهیم دوگانه بحث نوزیک/رالز را انضمامی و کمی ملموس‌تر در زندگی به تصویر بکشیم، شاید با تسامح بتوان این‌گونه گفت: فردی که در قمار برنده می‌شود، بخشی از دارایی‌های همسرش به او می‌رسد، یا هدیه‌ای (مادی) از دوستی به او می‌رسد یا سود سرمایه‌گذاری خود را دریافت می‌کند و مواردی از این دست، آیا دولت محق است و می‌تواند بخشی از آن دارایی را بگیرد و به دیگر شهروندان بدهد؟ وظیفه یک دولت عدالت‌محور چیست؟ این یکی از اولین و شاید مهم‌ترین پرسش‌های علم سیاست در دوران مدرن است. نوزیک، در کتاب *بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر*، به این دست از پرسش‌ها در قالب نقد آرای رالز پاسخ می‌دهد و از این ره‌گذر صورت‌بندی جدیدی را از نسبت عدالت و آزادی ارائه می‌کند.

۲. معرفی نویسنده

زمانی که در سال ۱۹۹۹ جان رالز از بیل کلیتون نشان ملی علوم انسانی را دریافت کرد، کلیتون گفت: «جان رالز را شاید بتوان بزرگ‌ترین فیلسوف سیاسی قرن بیستم نامید» (تلیس ۱۳۸۵: ۲۴). نه تنها یک سیاست‌مدار برجسته، بلکه فیلسوفی چون تامس نیگل نیز رالز را مهم‌ترین فیلسوف قرن بیستم می‌داند (توحیدفام ۱۳۹۱: ۹۶). این درحالی بود که

رابرت نوزیک، در جایگاه یک نظریه‌پرداز مطرح در عرصه فلسفه سیاسی، تا اواخر دهه ۱۹۸۰ مشهور و مقبول است و امروز به‌عنوان مهم‌ترین منتقد فیلسوف قرن، یعنی جان رالز، شناخته می‌شود.

رابرت نوزیک از بازماندگان «اشتتل»^۳ است که در ۱۹۳۸ از والدین مهاجر یهودی در بروکلین/نیویورک متولد شد. به‌گفته خودش، با مباحث فلسفه از طریق کتاب جمهوریت افلاطون آشنا شده بود و در دانشگاه پرینستون فلسفه خواند و کارشناسی فلسفه خود را در سال ۱۹۵۹ گرفت و متعاقب آن دکترای فلسفه خود را از همان دانشگاه در سال ۱۹۶۳ اخذ کرد (<https://www.biography.yourdictionary.com/robert-nozick>). نوزیک، با آن‌که در سی‌سالگی به کرسی استادی دانشگاه هاروارد دست یافته بود، قبل از آن صاحب مقام استادی در هاروارد، استادیار دانشگاه‌های پرینستون، راکفلر، و هاروارد نیز بود. در همان سال‌ها بود که نوزیک با جان رالز در دانشگاه هاروارد همکار شد و بعدتر در سال ۱۹۷۴ مهم‌ترین کتاب خود را نیز به‌نام *آنارشی، دولت، آرمان‌شهر* منتشر کرد.^۴

با آن‌که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نوزیک پس از یک دوره آشنایی با آثار و سیاست‌های چپ جدید و سوسیالیسم با آثار مدافعان سرمایه‌داری مانند فردریش فون هایک^۵، لودویگ فون میزس، موری راتبارد، و... آشنا شد و تا آخر آثار و تمایلات مطالعاتی او به همین حوزه مختص ماند، آن‌چنان‌که در کنار بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر (*Anarchy, State, and Utopia* 1974) آثاری چون *روشن‌گری‌های فلسفی (Philosophical Explanations* 1981)، *زندگی آزموده‌شده (The Examined Life* 1989)، *سرشت عقلانیت (The Nature of Rationality* 1993)، *معمای سقراطی (Socratic Puzzles* 1996)، و *تغییرناپذیری: ساختار جهان عینی (Invariances: The Structure of the Objective World* 2001) را از نوزیک شاهدهیم. او هم‌چنین، در کنار مباحث عدالت و آزادی، سهم بسیار مهمی در مطالعات معرفت‌شناختی، مسئله هویت فردی، و نیز نظریه تصمیم‌گیری و انتخاب داشته است. چندوجهی بودن مطالعات نوزیک در مقایسه با دیگر نظریه‌پردازان لیبرالیسم و عدالت اجتماعی برای او جایگاه رفیع‌تری به‌وجود آورده است، اما باجسارت می‌توان گفت که بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر، که حاصل مباحثه او با مایکل والزر، رونالد دورکین، و موری راتبارد و جوابیه‌ای به نظریه عدالت (جان رالز) بود، برترین اثر وی محسوب می‌شود؛^۶ کتابی که خیلی زود به مانیفست فلسفی محافظه‌کاران و لیبرتارین‌ها تبدیل شد.

چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی ... (شهاب دلیلی) ۱۶۷

نوزیک نیز به سان رالز که شبکه‌ای از مفاهیم هم‌چون عدالت انصافی، پرده‌جهل، اصل تفاوت، و... را با تعبیر خویش وارد عرصه فلسفه سیاسی کرد، شبکه‌ای از مفاهیم هم‌چون عدالت استحقاقی، دولت کمینه/ حدافلی، و... را با تعبیر خاص خویش وارد فلسفه سیاسی کرد. به این ترتیب، رالز از یک سو با تکیه بر عدالت اجتماعی و حمایت از دخالت دولت در روابط اقتصادی و اجتماعی از «دولت رفاه» دفاع می‌کرد و از سوی دیگر، نوزیک با تکیه بر مالکیت شخصی (private possession) و عدم دخالت دولت در روابط اقتصادی و اجتماعی از «دولت کمینه/ حدافلی» (minimal state) حمایت می‌کرد.

یکی از تفاوت‌های مهم کتاب نوزیک آن است که اصل بدیهی این کتاب، که در سال‌های بعد از ۱۹۶۸^۷ نوشته شده است، این بود که «افراد حقوقی دارند و این حقوق آن‌چنان نیرومند است و دامنه‌ای دارد که این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نیرویی برتر از آن می‌تواند وجود داشته باشد؟» (دلاکامپانی ۱۳۸۲: ۱۹۰). در آن سال‌ها این نوشته قابلیت آن را داشت تا توسط جنبش‌های دانشجویی مصادره به مطلوب شود، درحالی‌که «نوزیک قائل به فردگرایی (در برخی موارد اختیارگرایی رادیکال^۸) است و در مقابل، آرای سوسیالیست‌ها دولت‌گرایی و کل‌گرایی را رد و نفی می‌کند و به این سبب و برای حفظ حقوق افراد به دولتی حدافلی رأی می‌دهد» (حقیقت ۱۳۹۱: ۳۷۹).

البته، با بررسی روند حوزه‌های مطالعاتی نوزیک، می‌توان متوجه فرود و فرازهایی شد، چنان‌که سال‌ها بعد از انتشار بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر وی در زندگی آزموده^۹ مجموعه‌ای از تأملات شخصی درباره زندگی، مرگ، و... را شرح داد و نوشت: «می‌خواهم از پاکی و وقار یک سیب سخن بگویم، از لذت و شهوت آتشین توت فرنگی». ^{۱۰} به‌زعم برخی منتقدان آرای نوزیک (واربرتون ۱۳۹۴)، وی در همین اثر است که آرای کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر را رد می‌کند و می‌نویسد: «موضع لیبرتارینی، که روزگاری مطرح کرده بودم، امروز در نظرم بسیار نارسا می‌نماید»، درحالی‌که پیش‌تر به‌نظر می‌رسد نوزیک از تلاش برای متقاعد کردن دیگران به دیدگاه‌های فلسفی خود ناامید شده است. البته، او بعدتر در ۱۹۸۹ در مقاله‌ای با عنوان «زیگزاگ سیاست» کم‌وبیش آرای کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر را انکار می‌کند و به نفع حق اکثریت دموکراتیک برای استفاده از سازوکارهای دولتی برای دستیابی به منافع مشترک رأی می‌دهد که بیش‌تر اهمیت‌دادن به پرداختن به مشکلات از طریق مجاری رسمی را مدنظر دارد.

با آن‌که نوزیک در ۵۶ سالگی متوجه ابتلا به سرطان معده شده بود تا ۶۳ سالگی زیست و در نهایت در سال ۲۰۰۲ درگذشت. ضمیمه تایمز کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر او را یکی از صد کتاب برتر بعد از جنگ جهانی دوم معرفی کرد و در ایران نیز ترجمه این اثر نامزد سی و پنجمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در گروه فلسفه و روان‌شناسی و در بخش فلسفه غرب شد. مخاطبان ایرانی که پیش‌تر با نظریه‌ای در باب عدالت آشنا شده بودند، از این کتاب نیز استقبال کردند.

۳. تریلوژی نوزیک در یک کتاب: بی‌دولتی، دولت، دولت کمینه^{۱۱}

همان‌گونه‌که از نام این کتاب برمی‌آید، از سه بخش بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر تشکیل شده است که به لحاظ محتوایی، در بخش اول به «نظریه وضع طبیعی یا چه‌طور بی‌آن‌که واقعاً بکوشیم به درون دولت بازگردیم»، در بخش دوم به «فراتر از دولت کمینه»، و در بخش سوم به «آرمان‌شهر» پرداخته می‌شود. بخش اول شامل شش فصل با این عناوین است: «چرا نظریه وضع طبیعی؟»، «وضع طبیعی»، «قیده‌های اخلاقی و دولت»، «ممنوعیت، غرامت، خطر»، «دولت»، و «تأملاتی دیگر درباره برهان در دفاع از دولت» مطرح می‌شود. مطالب فصل دوم تحت عناوین «عدالت توزیعی»، «برابری، حسادت، بهره‌کشی، و جز آن‌ها» و «مردم مالکی». در پایان، در بخش سوم «چهارچوبی برای آرمان‌شهر» آمده است.

همان‌طور‌که نوزیک در بخش سپاس‌گزاری بیان می‌کند، نه فصل نخست این کتاب را در سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۲ نوشته است. به عبارتی، سال‌هایی که او عضو مرکز مطالعات پیشرفته علوم رفتاری در پالوآلتو بوده بخش اعظم این کتاب تنظیم شده است؛ نهادی دانشگاهی که، به گفته خود نوزیک، «با کم‌ترین ساختار بندی به بی‌دولتی فردگرایانه پهلو می‌زند» (نوزیک ۱۳۹۵: ۹).

نوزیک، در بخش اول، با تکیه بر خوانشی لاکي^{۱۲} از «نظریه وضع طبیعی»، وجود دولت را توجیه و یک وضعیت آنارشیک را نقد می‌کند. او، در فصل اول از این بخش، با تشریح نظریه وضعیت طبیعی وضعیت بی‌دولتی را رد می‌کند و با برشمردن دلایلی به توجیه دولت حداقل در برابر ادعاهای آنارشیست‌ها می‌پردازد و توأمان بر لزوم وجود دولت به‌سان یک آژانس حفاظتی برتر به‌منظور صیانت از حقوق همگان به‌واسطه زور تأکید می‌کند، چراکه در وضعیت طبیعی امنیت و حفاظت در برابر دیگران نخستین نیاز است. لذا برای این هدف

است که بنگاه‌ها و انجمن‌های محافظ خصوصی شکل می‌گیرند و از تجمیع آن‌هاست که دولت کمینه به وجود می‌آید (همان: ۲۱-۳۲) و تنها این دولت حداقلی است که به واسطه حفاظت از حقوق فردی انحصار کاربست زور را داراست. لذا «دولت کمینه تنها و بزرگ‌ترین دولت توجیه‌پذیر است» و هر دولتی بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از دولت کمینه ناعادلانه است. به‌زعم نوزیک، «وجود دولت موجه است، ولی تازمانی که یک دولت کمینه بماند» (سرپرست سادات ۱۳۹۶: ۱۰). به این ترتیب است که نوزیک، در نقد آنارشیست‌ها، دوگانه حق فردی/ دولت کمینه را صورت‌بندی می‌کند، چنان‌که کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر با این جمله شروع می‌شود: «آدمیان^{۱۳} حقوقی دارند و کارهایی هست که هیچ شخص یا گروهی نمی‌تواند با آنان انجام دهد، مگر با نقض حقوقشان»^{۱۴} (نوزیک ۱۳۹۵: ۱) و در ادامه می‌نویسد: «دولت مجاز نیست از سازوبرگ جبرآمیزش برای واداشتن برخی شهروندان به کمک‌کردن به دیگران یا برای بازداشتن افراد از برخی کارها به‌خاطر صلاح خود آن‌ها یا به‌خاطر محافظت از خود آن‌ها استفاده کند»^{۱۵} (همان).

نوزیک، در بخش دوم این کتاب، بر نقد اندیشه رالز متمرکز می‌شود و شرح می‌دهد که رالز در کاربرد میان «عدالت در گرفتن» و «عدالت در داشتن» اشتباه کرده است. نوزیک در این بخش، با تشریح و رد ابعاد عدالت توزیعی و اولویت‌دادن به «عدالت در داشتن»، نظریه عدالت استحقاقی خود را بیان می‌کند (همان: ۲۰۱). او، در این بخش، تلاش می‌کند تا نشان دهد تنها نظریه تاریخی عدالت است که به‌جای پرداختن به الگوهای توزیع یا بازتوزیع ثروت اقتصادی و مواهب اجتماعی به شیوه به‌دست‌آوردن و انتقال دارایی‌ها نظر دارد و به شناخت و حفظ حقوق مالکیت فردی توجه می‌کند. به این ترتیب، اگر در بخش اول نوزیک با نقد آرای آنارشیست‌ها بر لزوم وجود دولت حداقلی تأکید دارد، در بخش دوم درمقابل قائلان به دولت حداکثر می‌ایستد و با نقد سازوکارهای دولت حداکثر بر شناخت و حفظ حقوق فرد تأکید می‌کند.

هم‌چنین، نوزیک در این بخش به‌منظور تأکید بر اولویت حق فردی سه اصل عدالت استحقاقی را بیان می‌دارد: اول اصل عدالت در اکتساب (به‌معنای اکتساب اولیه دارایی‌ها و به‌معنای تصرف چیزهای بی‌مالک است)، دوم اصل عدالت در انتقال (به‌معنای انتقال داوطلبانه و غیراجباری دارایی‌ها از فردی به فرد دیگر است)، و سوم عدالت به‌معنای رفع بی‌عدالتی ناشی از نقض دو اصل اول است (همان: ۲۰۱-۲۰۴). او تأکید می‌کند که «قربانی کردن موجه برخی در راه برخی دیگر کاملاً بی‌معناست».

نوزیک، در ادامه و در بخش سوم، به تشریح بایسته‌های دولت کمینه می‌پردازد و وضعیت مطلوب خود را ترسیم می‌کند. در این وضعیت، دولت کمینه به‌مثابه چهارچوبی برای شکل‌دادن به دنیای بهتر است؛ دولتی که تا حد ممکن، با رعایت حق فردی، زمینه را برای انتخاب زندگی بهتر از سوی فرد مهیا می‌سازد.

به این ترتیب، نوزیک در بخش اول کتاب وجود دولتی حداقلی را توجیه می‌کند و در بخش دوم می‌گوید که هر دولت فراکمینه توجیه‌ناپذیر و ناعادلانه است و در مقابله با عدالت توزیعی اعمال‌شده از سوی دولتی فراکمینه، نظریه عدالت استحقاقی را بنا می‌نهد که نیازی به دولت فراکمینه حداقلی ندارد.

این گزاره را، که تنها یک دولت کمینه عادلانه و اخلاقی است، می‌توان به‌عنوان هسته مرکزی ایده نوزیک برشمرد. یک دولت کمینه به‌معنای دولتی است که اساساً به‌عنوان «نگهبان شب» (nightwatchman) عمل می‌کند و برای محافظت از شهروندان در برابر خشونت، سرقت، و کلاهبرداری اختیاراتی محدود دارد. این دولت، آن‌گونه که لیبرالیسم مدرن و سوسیالیست‌ها می‌گویند، هیچ اختیاری برای توزیع و بازتوزیع دارایی‌های اقتصادی و مواهب اجتماعی ندارد.

۴. کتاب نوزیک: نقد لیبرالیسم مدرن از منظر لیبرتارینیسم

پس از جنگ جهانی دوم، توجه دوباره‌ای به فلسفه سیاسی و مشخصاً تقابل مباحث آزادی و عدالت به‌وجود آمد. در این میان، «بیش‌تر لیبرال‌های راست‌گرا مانند هایک، نوزیک، و فریدمن برابری را محل آزادی و با آن جمع‌ناپذیر می‌دانند و سخن‌گفتن از عدالت اجتماعی را در جامعه مرکب از افراد آزاد موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان‌ها می‌شمارند» (بشیریه ۱۳۸۳: ۲۴). برای لیبرال‌ها، هر دو مفهوم آزادی و عدالت در نسبتی مشترک با مفهوم دولت تعریف‌شدنی‌اند. لیبرالیسم، که تلاشی برای صیانت از حوزه خصوصی فرد در برابر اقتدار دولت است، شرح تأسیس دولت را با نظریه قرار اجتماعی آغاز می‌کند (مگی ۱۳۸۲: ۴۲۴). در این میان و بر اساس رویکردهای متفاوتی که اندیشمندان لیبرال به نظریه قرار اجتماعی داشتند، رویکرد لیبرتارینی به‌عنوان واکنشی درمقابل سنت دولت‌های رفاهی و براساس پای‌بندی به سنت لیبرالیسم کلاسیک^{۱۶} پدیدار شد. نوزیک در کنار اندیشمندانی چون هایک، میزس، فریدمن (Friedman)، راتبارد (Rothbard)، راند (Rand)، و جی‌رینگر در زمره لیبرال‌های رادیکال قابل‌شناسایی است. البته که مضامین و محتوای لیبرتارینیسم (libertarianism) طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها، از نوام

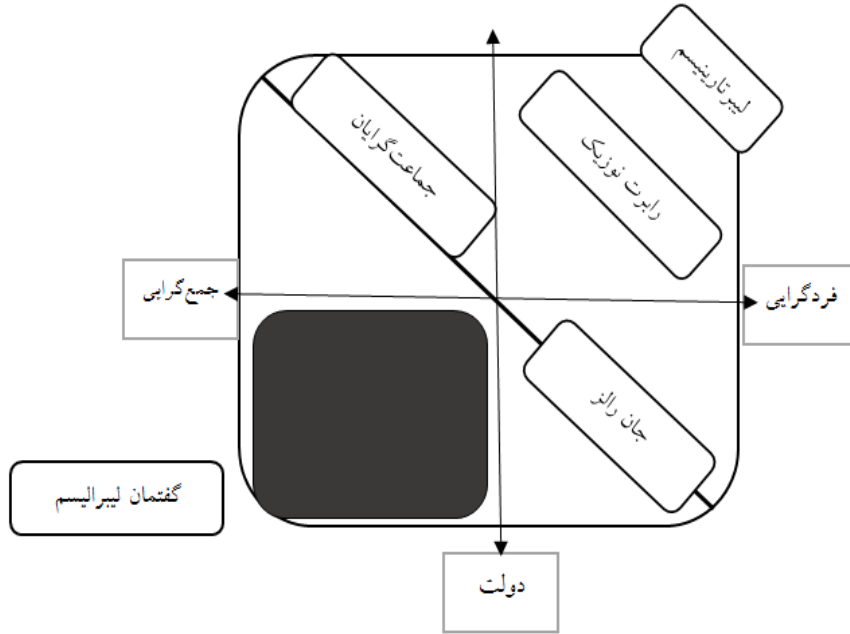
چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی ... (شهاب دلیلی) ۱۷۱

چامسکی تا رابرت نوزیک، را در بر می‌گیرد (کیملیکا ۱۳۹۵: ۱۵۷-۲۳۷)، اما در مجموع، می‌توان آن‌ها را براساس موضع‌گیری در برابر حدود تحدید دولت به دو گروه تفکیک کرد.

یک گروه آنارشویست‌ها هستند که بیان می‌دارند حکومت کاملاً نامشروع و ناعادلانه است و گروه دوم که مینارشویست‌ها نامیده شده‌اند که معتقدند حکومت‌ها می‌توانند وظایف حمایتی پلیسی، اجرای قراردادها، دفاع ملی (و نه بیش‌تر از آن‌ها) را به‌عهده گیرند. رابرت نوزیک از مینارشویست‌های نام‌دار است (فورسیت و دیگران ۱۳۸۰: ۲۶۷).

در مجموع، هر دو گروه در این‌که «آزادی از حقوق اولیه هر فردی است»، «انتخاب آزاد فرد قابل تحدید نیست»، «حکومت نباید نقش پدرسالاری داشته باشد»، «دولت نباید به بازتوزیع ثروت بپردازد»، و «رقابت بازار آزاد تعیین‌کننده قواعد است» توافق دارند (همان: ۲۹۰-۲۹۳)، چنان‌که رونالد دورکین می‌گوید: «ما همه در یک جهت کار می‌کنیم. ما همه در قبول نگرش لیبرالی هم‌داستانیم و مصرانه معتقدند یکی از اصول لیبرالیسم ادعای بی‌طرفی دولت نسبت به خیر و بشر و تقدم حقوق بر خیر است» (سرپرست‌سادات ۱۳۹۶: ۱۸).

در این میان و به‌واسطه جایگاه محوری عدالت به‌روایت رالز، منتقدانی از درون و بیرون ساحت لیبرالیسم به بررسی و نقد آرای وی پرداختند. فارغ از منتقدان بیرون‌گفتمانی، در درون گفتمان لیبرالیسم، در حالت کلی رالز با دو دسته منتقد روبه‌روست. از یک‌سو، جماعت‌گرایان انتقاداتی را به ایده وی وارد می‌کنند. برای مثال، چارلز تیلور بیان می‌دارد با آن‌که «لیبرالیسم رالزی بر برداشت فردگرایانه در مورد «خود» متکی است، از این حقیقت غافل است که «خود»های ما به‌وسیله وابستگی‌های جماعت محدود و ساخته می‌شود (شاقول ۱۳۹۳: ۱۳۵). درمقابل، لیبرتارین‌ها قرار دارند. نوزیک در واقع نقد نظریه عدالت لیبرال‌ها و مشخصاً جان رالز کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر را منتشر می‌کند. او با رویکرد فردگرایی رادیکال و تأکید بر آزادی (اختیارگرایی) یکی از سخت‌ترین مواضع را در برابر نهاد دولت و مفهوم عدالت اتخاذ می‌کند (حقیقت ۱۳۹۱: ۳۸۳) و «تنها مشروعیتی که برای نهاد دولت قائل است پاسداری از امنیت دارایی‌های شهروندان و حراست از ضمانت اجرای قراردادهای اجتماعی و اقتصادی است» (بشیریه ۱۳۷۸: ۱۲۵). نوزیک بیان می‌کند: «دولت تنها باید اجازه دهد هرکسی با داشته‌های اولیه و اتفاقی خویش در جامعه آغاز نماید و این همان اصل آزادی طبیعی است» (شاقول ۱۳۹۳: ۱۴۸). به این ترتیب، هرچه بر میزان اختیار دولت در جهت تحقق عدالت افزوده شود، کاهش آزادی فردی را شاهدیم و می‌توان، براساس مفاهیم فوق، با تسامح نمودار ۱ را ترسیم کرد.



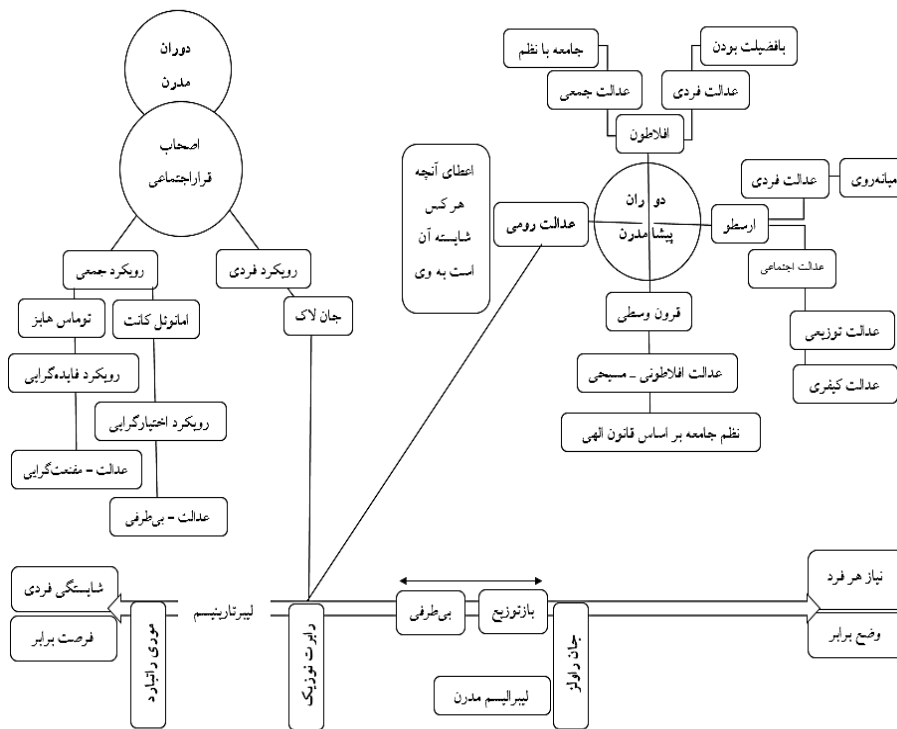
نمودار ۱.

در طول تاریخ، چرخه بین آزادی‌های بیشتر و دولت محدودتر و بالعکس آزادی‌های محدودتر و دخالت‌های دولت همواره در ساختارهای سیاسی - اقتصادی کشورهای لیبرال - دموکرات دیده می‌شود (بنگرید به توحیدفام ۱۳۸۱). لذا می‌توان بیان داشت همان‌طور که ایده لیبرترین‌ها با ریگان و تاچر در دنیای سیاست وارد شد، ایده رالز نیز با کلیتون و اوباما به عرصه سیاست عملی کشیده شد. البته که ایده لیبرترین‌هایی چون نوزیک سبب‌ساز رشد بی‌سابقه اقتصادی در آمریکا و انگلیس شد.

در مجموع، می‌توان بیان داشت که نقد نوزیک نقدی دورن‌گفتمانی به آرای رالز بود که با تکیه بر مبانی لیبرالیسم کلاسیک، به‌عنوان یک راست جدید، رالز را متهم می‌کرد که از لیبرالیسم قرن نوزدهمی فاصله گرفته است. او به برابری‌خواهی جان رالز پاسخی اختیارگرایانه (لیبرترین) می‌دهد. نوزیک، به‌عنوان قهرمان سرمایه‌داری و طرفدار اختیارگرایی (لیبرترین) در برابر فرهنگ (دولت) رفاه اجتماعی، مورد استقبال قرار گرفت و کتاب *بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر* به منابع درسی الزامی دوره‌های آموزشی فلسفه سیاسی و علم سیاست تبدیل شد.

۵. تقابل عدالت استحقاقی با عدالت توزیعی

تشریح ایده عدالت استحقاقی نوزیک و نقد عدالت توزیعی رالز توسط وی مستلزم ترسیم جغرافیای مطالعات عدالت است. شرح کامل این جغرافیا به وسعت تاریخ فلسفه پهناور است و در یک نوشتار نمی‌گنجد، اما می‌توان به‌اختصار به سیر آن اشاره داشت تا جایگاه عدالت استحقاقی نوزیک و رویکرد انتقادی وی را به عدالت توزیعی رالز در کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر تشریح کرد.^{۱۷} لذا، فارغ از این‌که بیان می‌شود مفهوم کلان عدالت در سه وجه کلام (وصف فعل خداوند)، اخلاق (وصف فعل انسانی)، و علوم اجتماعی (وصف مناسبات نظام‌های اجتماعی) قابلیت صورت‌بندی دارد، هر مکتب نظری و اندیشمندی تفکیک‌های دیگری را نیز بر آن رقم زده است (استاینر ۱۳۸۲: مقدمه مترجم) و صرفاً نسبت این اندیشمندان و هم‌افزایی‌هایی که در نظریه‌های عدالت رخ داده می‌تواند جایگاه عدالت استحقاقی نوزیک را تشریح کند.



نمودار ۲.

براساس نمودار ۲، می‌توان دریافت که نظریه عدالت استحقاقی نوزیک با تکیه بر «ایده عدالت رومی» و «رویکرد لاکه در عدالت» نظم می‌گیرد و همان‌طور که در نمودار ۲ آمده است، هر دوی این پایگاه‌های فکری پیشینه تاریخی فکری دارند. از سوی دیگر، براساس دوگانه نیاز (وضع برابر) / شایستگی (فرصت برابر)، می‌توان نسبت نظریه عدالت استحقاقی نوزیک با نظریه عدالت توزیعی رالز را ترسیم کرد.

رالز، به دنبال حل مشکل عدالت توزیعی و رفع تراحم بین برابر و آزادی، دو اصل آزادی و تفاوت را مطرح کرد.

براساس اصل آزادی، هر فرد حقی برابر با دیگران در بهره‌مندی از بیش‌ترین آزادی‌های بنیادین دارد. اصل تفاوت، درخصوص تشریح نابرابری در توزیع، نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی را تا آن‌جا می‌پذیرد که بیش‌ترین نفع را برای کم‌بهره‌ترین اعضای جامعه داشته باشد و دستیابی به مقامات و مناصب تحت شرایط فرصت‌های برابر منصفانه برای همه ممکن باشد (شاقول ۱۳۹۳: ۱۳۸).

به نظر وی، دولت باید براساس این دو اصل حداقلی از یک زندگی خوب را برای همه شهروندان فراهم آورد و این نقطه شروع رالز زمینه نقد نوزیک را فراهم آورد. تفاوت دو دولت مدنظر رالز و نوزیک بر حول مسئله بازتوزیع و عدم آن از سوی دولت رفاه رالزی و دولت حداقلی نوزیکی شکل می‌گرفت؛ مسئله‌ای که نوزیک در بخش دوم کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر به آن می‌پردازد. او در بخش دوم این کتاب می‌گوید وقتی ما براساس اصل تفاوت و برای حداکثرکردن بهره‌مندی فقیرترین بخش جامعه پولی را به‌زور در قالب مالیات یا غیره از ثروت‌مندی می‌گیریم و به فقیر می‌دهیم، درحالی‌که این پول به وی تعلق قانونی داشته است و طبق یک فرایند عادلانه آن را به‌دست آورده است، نه تنها عادلانه برخوردار نکرده‌ایم، بلکه عدالت را زیر پا گذاشته‌ایم (نوزیک ۱۳۹۵: ۲۲۰-۲۲۴)، چراکه برای نوزیک عدالت درباره رعایت حقوق افراد است. به‌زعم نوزیک، اصل تفاوت رالزی شامل «اصول ناظر به آخرین وضع» (برابری در وضع) شکل گرفته و بدون توجه به تاریخ کسب دارایی از سوی فرد (غیرتاریخی) در پی ایجاد عدالت است، در صورتی‌که هر نظریه عدالت باید به وضعیت نهایی بی‌طرف باشد. لذا در نظریه عدالت استحقاقی، دولت به حفاظت از حقوق فرد محدود می‌شود و نمی‌تواند مواهب اجتماعی و منابع اقتصادی را بازتوزیع کند (همان: ۲۵۹). لذا هر دارایی‌ای که فرد از سه راه زیر کسب کند، تصاحب‌ناشدنی از وی است؛ «عدالت در اکتساب» یعنی این‌که چگونه مردم اشیا و کالاها را از روی استحقاق

چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی ... (شهاب دلیلی) ۱۷۵

به دست آورند، «عدالت در نقل و انتقال» یعنی این که اشیا و کالاها را به صورت داوطلبانه و غیراجباری به دیگران منتقل کنند، و «عدالت به معنی رفع بی‌عدالتی» که ناشی از نقض دو اصل نخست است. به عبارتی روشن‌تر، «نابرابری در وضعیت نهایی» عین عدالت استحقاقی است.

نوزیک، در کتاب *بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر*، ارتباط تنگاتنگی بین سه‌گانه «عدالت استحقاقی»، «دولت حداقل»، و «حقوق طبیعی فرد» برقرار می‌سازد و بیان می‌کند «هیچ عملی نمی‌تواند حق طبیعی فرد را نقض کند» (همان: ۲۳۳) و دولت حق ندارد «ثروت او را بدون کسب رضایت وی برای توزیع به فقرا و محرومان سلب کند، زیرا به‌بهانه تأمین عدالت (استحقاقی) حق قانونی مالکیت فردی را مخدوش می‌کند» (سرپرست‌سادات ۱۳۹۶: ۱۶). بخش دوم کتاب نوزیک در رفت‌وآمدهای مکرر به این سه‌گانه پرداخته است. نوزیک نتیجه می‌گیرد که از مسیر عدالت به‌مثابه استحقاق نمی‌توان از روی نتایج فرایندها را زیرسؤال برد. بنابراین، با مطرح کردن این گزاره ارزشی که «توزیع درآمد نابرابر است» نمی‌توان نتیجه گرفت که «توزیع درآمد ناعادلانه است» (همپتن ۱۳۸۰: ۲۵۵).

۶. ارزیابی نهایی: نوزیک، ایستاده در میانه دوگانه‌ها

به نظر جین کازز (۱۳۹۵)، چهار ضرورت برای زندگی خوب وجود دارند: «خوش‌بختی»، «استقلال»، «هویت‌مندی»، و «اخلاق»، اما فراتر از این شروط بنیادین کیفیت زندگی خوب شامل انتخاب خوب میان تمایلات و آرزوهای خوب متنوع و گاه متناقض است. بخشی از پاسخ به نحوه سازوکارهای تحقق و دستیابی به این آرزوهای خوب متنوع و گاه متناقض در قالب نظریه‌های عدالت مطرح می‌شود. مهم‌ترین نظریه‌ای که در قرن بیستم در این خصوص مطرح شد، نظریه عدالت به‌مثابه انصاف از جان رالز است. این ایده تا به آن‌جا محوریت مباحث عدالت‌پژوهی را تصاحب کرده است که رابرت تلیس درباره آن می‌نویسد:

نظریه‌ای درباره عدالت اثری است نیرومند، عمیق، ظریف، پرمنا، و سیستماتیک در فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق که از زمان نوشته‌های جان استوارت میل تاکنون حتی شاید پیش‌از آن نظیر نداشته است... اکنون فیلسوفان سیاسی یا باید در محدوده نظریه رالز نظریه‌پردازی کنند یا باید توضیح دهند که چرا چنین نمی‌کنند (تلیس ۱۳۷۵: ۲۵).

این جمله یادآور سخن فیودور داستایفسکی درباره نیکلای گوگول است، چراکه نویسندگان روس تا صد سال پس از گوگول نمی‌توانستند خود را از زیر سایه شیخ گوگول رها کنند و ناخواسته رنگ‌وبوی نوشته‌های آن‌ها هم‌رنگ رنگ‌آمیزی‌های بدیع و لطیف او بود. از داستایفسکی، چخوف، و تولستوی تا تورگنیف و نکرسوف همه‌وهمه خود را شاگردان مکتب گوگول می‌دانستند. داستایفسکی در این باره می‌نویسد: «همه ما از زیر شنل گوگول بیرون آمدیم».^{۱۸} البته، شگفت‌آور آن‌که، باوجود موفقیت نسبی جان رالز در کسب طرف‌دار از میان صاحب‌نظران، این اندیشه نوزیک است که در عمل راه‌نمای جوامع غربی در برقراری نظام اقتصاد بازار بوده است.

سه بخش کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر را می‌توان سه مرتبه خواند: مرتبه اول با نگاه به جایگاه مفهوم عدالت، مرتبه دوم با نگاه به مفهوم دولت، و مرتبه سوم با توجه به تقدم ایده حق فردی بر خیر عمومی. هر سه خوانش خواننده را به سمت رویکرد لیبرتارینیستی رابرت نوزیک رهنمون می‌سازند.

درمقابل برخی از انتقادات وارد شده به ابعاد نظریه عدالت استحقاقی رابرت نوزیک در کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر عبارت‌اند از:

اول، تمام ایده‌های نوزیک به‌نحو فلسفی تری ریشه در آرای فردریش فون هایک دارد. تمام مسائلی که نوزیک درباره بی‌معنایی عدالت توزیعی و رد هرگونه الگوی پیش‌نوشته‌شده از عدالت و نفی قواعد مبتنی بر یک وضع نهایی مفروض در فصل هفتم کتابش بیان می‌کند، به‌طور کامل‌تر در اندیشه هایک یافت می‌شود. بستری که هایک به تبیین جایگاه عدالت می‌پردازد عبارت است از: الف. نگاه به جامعه به‌مثابه یک نظم متکی بر اراده‌های متکثر و متفاوت یا نظم خودجوشی که براساس برنامه‌ای از قبل طراحی شده است و تحت یک اراده تحمیل‌گر عمل نمی‌کند، ب. آزادی و اختیار انسان‌ها ارزش محوری به‌شمار می‌رود (Hayek 1967: 10). به‌نظر هایک، دولت متولی تأمین رفاه عمومی و نیازهای افراد جامعه نیست، زیرا نه رفاه و نیاز هرکس را می‌داند و نه می‌تواند آن را به‌انجام رساند. دولت صرفاً مسئول زمینه‌سازی است تا افراد و گروه‌های اجتماع بتوانند رفاه خود را راحت‌تر تأمین کنند (ibid.: 12). البته، سؤالی را توأمان می‌توان از هایک و نوزیک پرسید مبنی بر این‌که آیا ایده دولتی که همه ویژگی‌های خود را و نهاد است تا تنها به محافظت از حقوق فرد و نگه‌بانی شبانه بپردازد، صرفاً ایده‌ای ساده و گیرا نیست؟!

دوم، بخشی از انتقادهای وارد به ایده نوزیک را لیبرتارین‌های رادیکال‌تر از وی بر او وارد کرده‌اند، چنان‌که آنارشیست‌های رادیکال، هم‌چون موری راتبارد، بر ایده دولت کمینه نوزیک نقدی را ارائه می‌کنند مبنی بر این‌که نظریه دولت کمینه برطبق اصل دست‌نامرئی (که در نظریه وی به شکل گرفتن همین دولت کمینه منجر شد) به ازهم‌پاشیدن دولت کمینه و حرکت به سمت آنارشیسم خواهد انجامید که خود تناقضی در ایده دولت کمینه نوزیک محسوب می‌شود.

سوم، بخشی دیگر از منتقدان نوزیک از منظر جماعت‌گرایی بر فردگرایی رادیکال نوزیک انتقاداتی را مطرح می‌کنند، مبنی بر این‌که نمی‌توان به‌گونه‌ای شهودی باور کرد که همه انسان‌ها می‌خواهند از حداکثر آزادی برخوردار باشند، چراکه ارزش‌گذاری بر مواهب اجتماعی بسته به زمینه‌مندی جوامع انسانی متغیر است و حوزه‌های عدالت فقط بسته به ماهیت آن موهبت اجتماعی قابل بررسی هستند. برای مثال، انسانی که در درجه اول به فرض در یکی از کشورهای خاورمیانه زندگی می‌کند و خانه و مسکنی ندارد و از آن‌گذشته اساساً شغلی ندارد یا شغلی کاذب دارد و به نان شب محتاج است، آزادی از منظر نوزیک را می‌تواند فهم کند و اساساً آزادی از دیدگاه او چه معنایی دارد؟!

چهارم، برخی جماعت‌گرایان انتقادی دیگری را درخصوص آرای مطرح‌شده در *بی‌دولتی*، *دولت*، و *آرمان‌شهر* مطرح می‌کنند، مبنی بر این‌که نوزیک تحت‌تأثیر دیدگاه انسان‌شناسی کانت به اصالت فرد باور دارد. از این منظر، فرد مستقل از سنت و جایگاه اجتماعی خود هویتی مستقل دارد. درواقع، از این منظر، حقوق فرد بر مفهوم غایت و سعادت بشر تقدم دارد، درحالی‌که به‌نظر جماعت‌گرایانی چون مک‌ایتایر، «فرد هویت خود را از شهر می‌گیرد و فرد به‌ماهو فرد هویت اخلاقی مستقلی ندارد» (MacIntyre 1983: 455).

پنجم، دسته‌ای دیگر از انتقادات از منظر بیرون‌گفتمانی و از جنس رویکرد مطالعات اقتصادی بر فلسفه سیاسی نویسندگانی چون نوزیک و رالز مطرح می‌شود، مبنی بر این‌که اصولاً نوزیک و رالز هر دو فلاسفه سیاست هستند و اقتصاددان نیستند. واردکردن این دو در رده مباحث اقتصادی چندان صحیح نیست. هر دو درواقع مفهومی از عدالت را در نظر دارند که زائیده سنت تاریخی عصر روشن‌گری از قرن هفدهم به بعد است. ریشه هر دو اندیشه را باید در افکار جان لاک، امانوئل کانت، و سنت اندیشه فلسفی آنان دانست. بنابراین، بیش‌تر در سنت فلسفه و فلسفه سیاست قرار دارند تا اندیشه اقتصاد.

ششم، نقد بعدی بر کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر از منظر مقایسه‌مبانی استدلالی این نظریه با دیگر نظریه‌های عدالت قابل طرح است. با مطالعه نظریه‌های متنوع در عرصه عدالت‌پژوهی به نظر می‌توان حکم کرد که هر نظریه عدالت باید مشخص کند که بر چه پایه‌های استدلالی تکیه می‌زند و چگونه برتری خویش را بر دیگر اندیشه‌های رقیب اثبات می‌کند. هم‌چنین، پرسش آن است که چرا باید به مفاد و اصول عدالت پیش‌نهادشده پای‌بند و ملتزم بود و آن را اساس ساختار جامعه قرار داد؟ نوزیک، در نظریه عدالت استحقاقی، اساساً خود را در مسئله توجیه و اثبات استدلالی فهم خویش از اصول عدالت درگیر نمی‌کند، آن را مغفول می‌نهد، و صرفاً به تبیین تلقی خاص خویش از محتوای عدالت و نقد آرای رالز بسنده می‌کند.

هفتم، انتقاد بعدی بر این کتاب را می‌توان از جانب رویکرد برون‌گفتمانی لیبرالیسم مطرح کرد. منتقدان لیبرالیسم بیان می‌دارند که در روایت تاریخی نوزیک از عدالت، به فرایند انباشت اولیه، رونق بازار در قبل و بعد از صلح و ستفالی، کشف قاره آمریکا، انقلاب صنعتی، و دیگر فرایندهای انباشت ثروت کم‌ترین اشاره‌ای نمی‌شود، درحالی‌که باید این عوامل تاریخی برای نظریه نوزیک مهم باشند، زیرا نظریه عدالت استحقاقی او اکتساب و انتقال ثروت از یک شخص به شخص دیگر را در سطحی تاریخی - نظری و در فرایند شکل‌گیری جوامع مدرن توضیح می‌دهد.

۷. نتیجه‌گیری

در مجموع و براساس جدول ۱ می‌توان بیان کرد که در میان سه دسته نظریاتی که به نسبت میان آزادی و عدالت پرداخته‌اند، نوزیک هم‌چنان در دسته تجددگرایان جهان‌شمول‌گرایی لیبرال قرار می‌گیرد.

جدول ۱. سه دسته از رویکردها در قبال نسبت میان آزادی و عدالت

کل‌گرایی	تجددگرا/ بنیان‌گرا	جهان‌شمول‌گرایان
محل‌گرایی	تجددگرا/ زمینه‌گرا	جماعت‌گرایان
نسبی‌گرا	پساتجددگرا/ نسبی‌گرا	ضد جهان‌شمول‌گرایان

نوزیک در کتابش، هم‌چون رالز، ایده‌های جهان‌شمولی و ابدی - ازلی را ارائه می‌کند و جهان غیرلیبرال را نمی‌بیند. او نیز صرفاً در کتاب بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر دوگانه‌هایی

چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی ... (شهاب دلیلی) ۱۷۹

را مطرح می‌کند و در میانه آزادی/عدالت، خیر عمومی/حق فردی، دولت کمینه/دولت رفاهی، آنارشی/دولت فراگیر، برابری/نابرابری، نیاز/شایستگی، وضع برابر/فرصت برابر، و... قرار می‌گیرد و به جانب‌داری از یکی دیگری را نقد و رد می‌کند؛ دوگانه‌هایی که در جهان غیرلیبرال و غیرغربی واجد تعاریفی محلی و زمینه‌ای هستند.

در مجموع، براساس انتقادات واردشده به کتاب نوزیک، می‌توان گفت که تا حدود زیادی روایت جماعت‌گرایان از لیبرالیسم برای تحقق توأمان عدالت و آزادی در جوامع غیرلیبرال هم‌چون دولت-ملت‌های خاورمیانه و به‌طور مشخص ایران کارآمدی بیش‌تری دارد و آرای نوزیک را کم‌تر می‌توان به این جوامع تعمیم داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این پاسخ‌ها همواره در قالب واکنش‌های حاکمیت به این پرسش قابل‌بررسی است.
۲. کتاب *Anarchy, State, and Utopia* در ایران با یک ترجمه شناخته می‌شود که به آن خواهیم پرداخت، اما مسئله‌ای که توجه ذهن پرسش‌گر را به‌خود جلب می‌کند، ترجمه متنوع نام کتاب در نوشتارها و مقالات است. در بهترین حالت ممکن دکتر محسن رنجبر عبارت «بی‌دولتی»، دولت، و آرمان‌شهر» را برابر عنوان لاتین قرار می‌دهند. در برخی موارد عناوینی هم‌چون «آنارشی، دولت، و یوتوپیا» (بیش‌تر عین عبارت اصلی) نیز به‌کار می‌رود، اما کار به این جا ختم نمی‌شود و عباراتی چون «دولت‌ستیزی، دولت، و مدینه فاضله» و حتی «هرج‌ومرج، دولت، و ناکجاآباد» نیز برای برگردان عنوان اصلی کتاب انتخاب شده‌اند! ما در این جا صرفاً عنوان اول را موردشناسایی قرار می‌دهیم.
۳. اشتتل (Shtetl) شهرهای کوچکی در اروپای شرقی و مرکزی بود که جمعیت زیادی از یهودیان را در خود جای داده بود. در جریان هولوکاست، اکثر جمعیت یهودیان این مناطق از بین رفت.
۴. سه سال پس از انتشار کتاب *نظریه عدالت رالز* کتاب نوزیک منتشر شد.
۵. به‌بیان فردریش فون هایک (هایک ۱۳۹۰: ۱۲)، نوزیک با خواندن کتاب *فردگرایی و نظم اقتصادی* وی از آرای نویسندگان سوسیالیست دست کشید.
۶. نوزیک می‌نویسد که نمی‌خواهم مابقی زندگی پس از انتشار *بی‌دولت، دولت، و آرمان‌شهر* را صرفاً به این کتاب و پاسخ به انتقادات به این کتاب و نقد پاسخ‌های دیگران به پاسخ‌های من گذران کنم.
۷. در این دوره، با جنبش‌های دانشجویی ضد قدرت و غالباً آنارشستی مواجهیم.

۸. برخی از شارحان نوزیک وی را مدافع اختیارگرایی افراطی می‌دانند (در این خصوص، بنگرید به لسناف ۱۳۹۵: ۴۰۱).

۹. کتابی که بیش‌تر می‌توان آن را یک شبه‌خودزندگی‌نامه‌نویسی نامید.

۱۰. شاید به‌خاطر این بازیابی‌های فلسفی است که نوزیک در انتخاب همسر دومش شاعری به‌نام «گرتورد شناکنبرگ» را انتخاب کرد.

۱۱. باتوجه به نام کتاب *Anarchy, State, and Utopia* به‌نظر می‌رسد ایده مرکزی این کتاب را بتوان در حالت سلبی و ایجابی مختص به دولت کنیم، چنان‌که می‌توان نام این کتاب را *محتوا/محور به بی‌دولتی، دولت، و دولت کمینه* ترجمه کرد.

۱۲. جان لاک

۱۳. البته، باتوجه به محتوای اندیشه نوزیک، شاید بهتر باشد در ترجمه رنجبر کمی دخل و تصرف کنیم و به‌جای عبارت «آدمیان» عبارت «افراد» را بگذاریم که به متن انگلیسی و فحوای کلام نوزیک نیز نزدیک‌تر است.

14. Individuals have rights, and there are things no person or group may do to them (without violating their rights).

15. That a minimal state, limited to the narrow functions of protection against force, theft, fraud, enforcement of contracts, and so on, is justified; that any more extensive state will violate persons' rights not to be forced to do certain things, and is unjustified.

۱۶. سنت‌های لیبرالیسم کلاسیک را می‌توان در میانه اندیشه‌های آدام اسمیت، جان لاک، پدران *قانون اساسی آمریکا*، و سنت حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی (هابز، لاک، و کانت) تعریف کرد.

۱۷. این جغرافیا را می‌توان براساس یک ایده، یک مکتب نظری، و... ترسیم کرد که در این‌جا به‌دلیل بررسی و نقد کتاب *بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر* نیازمند ترسیم این جغرافیا براساس مرزبندی اندیشمندان است.

۱۸. *شینل* نام داستان کوتاهی است نوشته «نیکلای گوگول» (نویسنده روس) که در سال ۱۸۴۲ منتشر شد. *شنل* در ادبیات روسیه تأثیر زیادی داشته است و این امر باعث جمله معروف فیودور داستایفسکی شد که گفت: «ما همه از زیر شنل گوگول درآمده‌ایم».

کتاب‌نامه

- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران: نی.
تلیس، رابرت (۱۳۸۵)، *فلسفه رالز*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

چرخش‌های عدالت: نقد عدالت لیبرالی از منظر عدالت لیبرتارینی ... (شهاب دلیلی) ۱۸۱

- توحیدفام، محمد (۱۳۸۱)، *دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن*، تهران: روزنه.
- توحیدفام، محمد (۱۳۹۱)، «چرخش در نظریه عدالت جان رالز: از آرمان‌گرایی متافیزیک تا واقع‌گرایی سیاسی»، فصل‌نامه *ره‌یافت‌های بین‌المللی*، ش ۲۹.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۱)، «اصول عدالت سیاسی»، *مجله نقد و نظر*، س ۳، ش ۲ و ۳.
- دلاکامپانی، کریستیان (۱۳۸۲)، *فلسفه سیاست در جهان معاصر*، ترجمه بزرگ نادرزاده، تهران: هرمس.
- سرپرست‌سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۶)، «مفروضات انسان‌شناختی رابرت نوزیک و نقد اجتماع‌گرایانه مک‌ایتایر بر آن»، فصل‌نامه *ره‌یافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، س ۸، ش ۲، پیاپی ۴۸.
- شاقول، یوسف (۱۳۹۳)، «بررسی نقدهای مایکل سندل و رابرت نوزیک بر ناسزگاری اصل تفاوت و فردگرایی در نظریه جان رالز»، فصل‌نامه *غرب‌شناسی بنیادی*، س ۵، ش ۱.
- فورسیت، موری و دیگران (۱۳۸۰)، *نقد و بررسی آثار بزرگ سیاست سده بیستم*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دانشگاه تهران.
- کیملیکا، ویل (۱۳۹۵)، *درآمدی بر فلسفه سیاسی معاصر*، ترجمه میثم بادامچی و محمد مباشری، تهران: نگاه معاصر.
- مگی، بریایان (۱۳۸۲)، *مردان بزرگ اندیشه*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.
- نوزیک، رابرت (۱۳۹۵)، *بی‌دولتی، دولت، و آرمان‌شهر*، ترجمه محسن رنجبر، تهران: مرکز.
- واربرتون، نایجل و جاناتان ولف (۱۳۹۴/۱/۳۰)، «پنج کتاب سازنده فلسفه سیاسی»، ترجمه محسن اسلامی، سایت فرهنگ امروز.
- هایک، فون (۱۳۹۰)، *در سنگر آزادی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: اختران.
- همپتن، جین (۱۳۸۰)، *فلسفه سیاسی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

<<https://www.britannica.com/biography/Robert-Nozick>>.

<<https://www.biography.yourdictionary.com/robert-nozick>>.

MacIntyre, A. (1983), "Moral Rationality, Tradition, and Aristotle: A Reply to Onora O'Neill", R. Gaita and S. R. L. Clark (eds.), *Inquiry*, vol. 26, no. 4.

